



ترک زندگی در لبنان

چطور ابرهای سیاه جنگ از اکتبر ۲۰۲۳ در آسمان آبی لبنان پدیدار شد؟

توسط برادران مسلح لبنانی اش باشد. در حالی که عملیات گسترده حماس در روز قبل جان بیش از هزار اسرائیلی را گرفته بود، هیچ تلفاتی در ارتباط با اولین حمله حزب الله گزارش نشده بود. تا زمانی که اوضاع به همین منوال باقی می ماند، من فکر می کردم، احتمالاً به لبنان صدمه ای وارد نخواهد شد، همانطور که در طول ۱۷ سال گذشته تقریباً آرامش کاملی در مرزهای جنوبی برقرار بود.

با این حال، روز بعد، نظرم به میزان قابل توجهی در مورد وضعیت لبنان تغییر کرد. ۴۸ ساعت پس از حمله حماس، گستره کامل این عملیات و تلفاتش در جنوب اسرائیل آشکار شد. انجام این عملیات مسلماً تأثیر بزرگی در اسرائیل از نظر ذهنی و عاطفی می گذاشت و می توانست به معنای آغاز جنگ در غزه و شاید فراتر از آن باشد. فقط کافی بود به رسانه های اسرائیلی از جمله شبکه های اجتماعی نگاهی بیاندازید. همه می گفتند که عملیات حماس بزرگترین کشتار یهودیان از زمان هولوکاست بود. داستان های هولناکی اینترنت را پر کرده بود. این امر در سراسر طیف سیاسی اسرائیل، از راست به چپ وجود داشت. آنهایی که تنها چند روز قبل در خیابان ها در اعتراض به دولت بنیامین نتانیاهو، مشغول تظاهرات بودند اکنون در صف ایستاده بودند تا برای انجام خدمت نظامی ثبت نام کنند. می دانستیم که آنها جنگ آبی با حماس و هر کسی که در کنار آنها بایستد رانتهننا موجه، بلکه ضروری می دانستند. می دانستیم که قرار نبود آنها با چند موشک حزب الله از نبردی که معتقد بودند اهمیت موجودیتی دارد، «منصرف» شوند. نهم اکتبر در دفتر چه یادداشت هایم نوشتم:

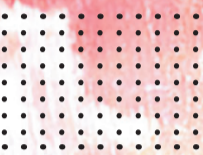
«با روشن تر شدن مقیاس کامل تلفات اسرائیل تردید جدی در اینکه پاسخ آنها به اندازه ای بزرگ خواهد بود که لبنان را به نوعی درگیر نکند دشوارتر است. واضح است که اسرائیلی ها از نظر روانی اکنون در یک وضعیت کاملاً جدید هستند. آنها همه گزینه ها را روی میز گذاشته اند و همه تفاهات و ترتیبات قبلی را از پنجره بیرون ریخته اند.»

حزب الله و متحدان فلسطینی اش در لبنان از همان روز بعد دست به کار شدند. سه سرباز اسرائیلی در ۹ اکتبر در جریان تلاش رزمندگان جهاد اسلامی فلسطین برای ورود به اسرائیل از خاک لبنان کشته شدند. این اتفاق منجر به درگیری مسلحانه شد که در آن دو مبارز فلسطینی نیز کشته شدند. سپس سه مبارز حزب الله در همان روز در اثر گلوله باران اسرائیل کشته شدند. من در یادداشت های خود نوشتم: «این در حالی است که اسرائیلی ها هنوز فقط در مرحله اولیه کارزار غزه هستند. در حال حاضر، فقط دو روز

بیروت و دیگر شهرها و شهرک های لبنان را منفجر کرده بود و در دوره ای که جنگ در همسایگی سوریه از سال ۲۰۱۲ شروع شده بود، جان به در برده بودیم. ما بعد از بحران زباله در سال ۲۰۱۵ جان به در برده بودیم. همان زمانی که بی کفایتی دولت به انباشته شدن زباله های فاسد در خیابان های سراسر کشور انجامیده بود و فضا را به تمام معنا مسموم کرده بود. پس از فروپاشی مالی لبنان در سال ۲۰۱۹ که پس اندازها و سپرده های ناچیز بانکی توسط همین مقامات فاسد از ما گرفته شد و ۸۰ درصد جمعیت زیر خط فقر فرو رفتند، باز هم جان به در برده بودیم. ما در طول همه گیری کووید-۱۹ که یکی از اعضای بسیار دوست داشتنی خانواده همسر را کشت، مقاومت کرده بودیم. پس از انفجار مهیب در بندر بیروت که در سال ۲۰۲۰ بخش هایی از پایتخت را ویران کرد و بیش از ۲۰۰ نفر را کشت و بلوک آپارتمانی را که تنها چند هفته قبل به آن نقل مکان کرده بودیم را در هم ریخت، نجات یافته بودیم. اما در بیشتر آن سال ها، ما جوان، ماجراجو، ایده آل گرا بوده و هنوز فرزند نداشتیم. در اکتبر سال ۲۰۲۳، دیگر وارد اواخر دهه ۳۰ زندگی خود شده بودیم، و تبدیل به پدر و مادر دختر و پسر کوچکی شده بودیم که رفاه شان بر ایمان از هر چیزی مهم تر بود. علاوه بر این، ما - بر خلاف اکثر لبنانی ها - به اندازه کافی خوش شانس بودیم که یک کشور دوم امن برای فرار داشتیم. ما پاسپورت و ویزا و بودجه لازم برای رسیدن به آنجا را نیز در جیب داشتیم. سفارت های خارجی به شهروندان خود توصیه می کردند هر زمان که می توانند از لبنان خارج شوند.

پس باید برویم؟

روی کاغذ، مادر معرض خطر فوری یا مرگبار نبودیم. ما با زندگی در تپه های شمال شرقی بیروت، نسبتاً از مناطقی که احتمالاً در صورت جنگ همه جانبه بین اسرائیل و حزب الله بیشترین ضربه را می خورد، دور بودیم. با این حال، مطالعه درباره مبانی زیربنایی درگیری ها از صبح روز ۷ اکتبر باعث شد که من به طور فزاینده ای متقاعد شوم که دیر یا زود، یک جنگ اساسی در لبنان اجتناب ناپذیر خواهد بود. در صبح روز هشتم اکتبر، حزب الله با شلیک موشک و توپ به سه موضع اسرائیل در منطقه مرزی معروف به مزارع شبعا، جبهه دوم را در نبرد «طوفان الاقصی» باز کرد. در حقیقت، روزی که این اتفاق افتاد، خیلی به این اقدام فکر نکردم. در نگاه اول صرفاً اینطور به نظر می رسید که این اقدام اندکی بیش از یک ژست نمادین در حمایت اخلاقی از حماس



**رویدادها آتند سریع
پیش رفته اند که
باورش سخت است
که این درگیری فقط
با سه حمله موشکی
به مزارع شبعا در اول
صبح اکتبر گذشته
آغاز شده است. با این
حال، همانطور که در
بالا سعی کردم نشان
دهم، نشانه های آنچه
قرار بود رخ بدهد
را می شد در همان
روزهای اولیه مشاهده
کرد. با نگاهی به
یادداشت هایی که از
زمان خروج از لبنان
نگه داشته ام، مشخص
شد اسرائیلی ها از
همان ابتدا راست
می گفتند که اگر
حزب الله از حمله
دست نکشد، همه
این کارها را انجام
می دهند**



الکس راول

روزنامه نگار و سردبیر نیولاینز

قسمت مورد علاقه من از خانه ما در تپه های لبنان، بالکن خانه بود. درست روبه رو و سمت چپ، دره ای شگفت انگیز، پوشیده از جنگل های سبز و انبوه کاج و صنوبر قرار داشت و در دامنه های شیب دار کوه لبنان تا سمت قله های پوشیده از برف کشیده شده بود. سمت راست، پائین تر از خانه ما، ۱۵ کیلومتر دورتر، بیروت مانند نوک یک پیکان به دریای نقره فام مدیترانه می رسید. صبح ها یک قهوه بخارپز به دست می گرفتم و روی بالکن می آمدم تا هوای خنک و تازه ای که از بالا می وزید را نفس بکشم، به صدای صدها پرند که روی درخت ها آواز سر داده بودند گوش بدهم. در آرامش غروب ها، هیچ چیز صدای خش خش برگ ها را در میانه نسیم قطع نمی کرد، جز صدای وزش باد و آوای جغدها و فریادهای دسته های شغال که در اطراف تپه ها طنین انداز می شدند. بهترین شب ها، شب های ماه کامل بودند. زمانی که درخششی به رنگ سفید روشن از پشت درخت ها قبل از بیرون آمدن قرص ماه می درخشید، و در برابر آسمان سیاه، خوندمایی می کرد. جای تعجب نیست که فیروز، بزرگترین خواننده لبنان، که در همان نزدیکی زندگی می کند، خواننده بود:

ما و ما همسایه هستیم

خانه اش پشت تپه های ماست

برای شنیدن آهنگ های بیرون می آید

اما شب ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳ یکی از آن مناسبت های دل انگیز نبود. از بالکن، روی یک میز خاکستری روشن رو به تلویزیون در اتاق نشیمن مان نشسته بودم و در وحشت شدیدی به سر می بردم. شش روز قبل از آن، حماس حمله خود را به جنوب اسرائیل انجام داده بود و جرقه جنگی فجیع در غزه زده بود که به نظر بسیاری از لبنانی ها ممکن بود به زودی کشور آنها را نیز درگیر کند. به ویژه پس از اینکه متحد قدرتمندتر حماس، لبنان، حزب الله، شروع به حمله به اسرائیل کرد. خبر رسیده بود که تیراندازی تانک اسرائیلی در نزدیکی یک روستای مرزی لبنان باعث کشته شدن یک خبرنگار رویترز و زخمی شدن تعدادی از همکاران او از خبرنگاری فرانسه و الجزیره شده است. به نظر می رسید جنگ در راه لبنان نبود، بلکه پیشتر از راه رسیده بود. آیا باید خانه مان را ترک می کردیم؟

این سوال همیشگی این بود که من و همسر - مانند بسیاری از افراد در لبنان - در طول ۱۱ ساله که در آن زمان در این کشور زندگی می کردیم، بارها از خود پرسیده بودیم. ما از موج مرگبار خودروها و بمب گذاری های انتحاری که

آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

RS

چرا روسیه به ایران کمک نخواهد کرد؟

در ۱۱ اکتبر، یک مجمع بین المللی سطح بالا در عشق آباد، پایتخت کشور آسیای مرکزی ترکمنستان برگزار شد. ترکمنستان با استفاده از وضعیت دائمی بی طرفی خود که در قانون اساسی اش تصریح شده است، بستر مناسبی را برای گفت و گوهای اوراسیا فراهم کرد تا رؤسای جمهوری روسیه، ایران، پاکستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، مغولستان و ارمنستان و مقامات چین، ترکیه، امارات، عمان، بحرین، عراق و غیره گرد هم آیند. در حالی که این ارتباطات ارزش ذاتی خود را دارند، صحنه مرکزی را دیدار رؤسای جمهوری روسیه و ایران، ولادیمیر پوتین و مسعود پزشکیان به خود اختصاص دادند. موضوع خاصی در این باره وجود داشت، زیرا این اولین دیدار آنها پس از انتخاب پزشکیان به عنوان رئیس جمهوری بود. همانطور که روابط روسیه با غرب خصمانه تر می شود، مسکو از تلاش های اصلاح طلبان ایرانی برای تعامل دیپلماتیک با غرب چندان راضی نیست. اگر چه هر دو طرف به طور قابل توجهی در مورد وضعیت خاورمیانه سخن گفتند اما ظاهراً درگیری بین ایران و اسرائیل یکی از موارد اصلی مورد بحث بوده است. چند روز بعد، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه، به اسرائیل هشدار داد «حتی به فکر حمله به تأسیسات هسته ای ایران نباشد». به گفته وی، «این یک تحول فاجعه بار و نفی کامل همه اصول موجود در زمینه تضمین ایمنی هسته ای خواهد بود.» از نظر سیاسی، چنین اظهاراتی دیدگاه تندروهای ایرانی را تأیید می کند که رابطه با غرب توسط دولت اصلاح طلب پیوسته و احقمانه است. در حالی که روابط با مسکو جای است که تهران باید سرمایه دیپلماتیک خود را سرمایه گذاری کند. زمانی که عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، از گفت و گو خود با جوزپ بورل، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مورد ماهیت همکاری نظامی فنی ایران با روسیه خبر داد، فرشته صادقی روزنامه نگار محافظه کار نوشت: «عراقچی باید به جای آن به بورل می گفت که روابط ایران با روسیه به غرب مربوط نمی شود. در همین حال، قانون گذاران تندرو مانند کامران غفغفری برای استیضاح پزشکیان بر اساس ادعایی در خصوص انتصاب غیرقانونی جواد ظریف که از نظر او یکی از حامیان اصلی گفت و گو با غرب است هشدار داد. در حالی که تنها دو هفته مانده به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، دو نامزد انتخاباتی آمریکا بر سر حمله به ایران با هم رقابت می کنند. کاملاً هریس، معاون رئیس جمهور، نامزد دموکرات، به طرز عجیبی ادعا کرد که ایران «بزرگترین دشمن آمریکا» است و سخنان مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل را نادیده گرفت. در همین حال، دونالد ترامپ، رقیب جمهوری خواه و رئیس جمهور سابق، پیام هایی را مبنی بر تمایل به روابط سازنده تر با تهران جایگزین می کند، به ویژه اینکه او به دنبال تغییر رژیم در ایران نیست و به اسرائیل توصیه می کند که به تأسیسات هسته ای ایران حمله کند. به نظر نمی رسد اتحادیه اروپا نیز بیش از ایالات متحده مشتاق بررسی فرصت های دیپلماتیک با ایران باشد. اتحادیه اروپا اخیراً تحریم های جدیدی علیه ایران به دلیل ادعای انتقال موشک های بالستیک به روسیه، اعمال کرد. این شرایط به ناچار تهران را بیش از پیش به مسکو نزدیک می کند. در حالی که تندروها در ایران از خصومت اتحادیه اروپا به عنوان شاهدهی دیگر بر خردمندی سیاست مورد علاقه آنها با عنوان «چرخش به شرق» استقبال می کنند، اصلاح طلبان ممکن است با آکراه به این نتیجه برسند که در غیاب هرگونه علاقه غرب برای پاسخ مثبت به پیشنهادات آنها، نگرانی ها در مورد بقای حکومت بیشتر شود. جایی که اصلاح طلبان سخن معقولی دارند، شفافیت در مورد توانایی ها و محدودیت های واقعی مسکو در کمک به ایران است. یکی از زمینه هایی که مسکو و تهران همکاری های خود را افزایش دادند، در حوزه اطلاعاتی، به ویژه در رابطه با اسرائیل به موازات وخامت روابط مسکو با تل آویو است. با این حال، آگاهی از آسیب پذیری های اسرائیل به منزله داشتن قابلیت های کافی برای بهره برداری از آن هان نیست. ایران مطمئناً می تواند بازی خود را تغییر دهد، اما نتایج تنها در درازمدت به دست خواهد آمد. جنگنده های سوخو-۳۵ و سامانه های موشکی اس-۴۰۰ روسیه مطمئناً می توانند پدافند هوایی این کشور را تقویت کنند، اما روسیه با وجود سال ها گمانه زنی در مورد این موضوع، همچنان در ارائه آن ها تردید دارد. روسیه تمایلی ندارد با ارائه این تسلیحات به ایران موجبات نگرانی کشورهای نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی را فراهم کند. شایان ذکر است، نه تهران و نه مسکو فاش نمی کنند که آیا اسناد همکاری راهبردی که قصد دارند در آینده نزدیک امضا کنند، حاوی تعهدات امنیتی است یا خیر. نیکیتا اسمگین، کارشناس روس در امور ایران، پارافرات گذاشت و پیشنهاد کرد که مسکو حتی ممکن است به طور پنهانی از حملات اسرائیل به زیرساخت های نفتی ایران خشنود شود، زیرا این اقدام رقیب اصلی نفت روسیه در بازار چین را حذف می کند و در نتیجه تقویت قابل توجهی برای بودجه روسیه ایجاد می کند.